



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol. 3, No.1, Spring 2024



A Comparative Analysis of Human Intellect as a Divine Creation and Artificial Intelligence as a Human Product

Seyed Hesamaldin Hosseini

Islamic Lifestyle Quranic Research Center, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

Article Info

ABSTRACT

Article type:

Research Article

Received:

20/10/2023

Accepted:

31/12/2023

The widespread development and increasing capabilities of artificial intelligence have led some scientists to believe in the dominance of artificial intelligence over human intelligence and intellect. However, considering the verses of the Quran (Al-A'laa: 1-2) and (Al-An'am: 102) and many other verses that identify God as the sole creator of the universe, as well as God's infinite knowledge (Al-Baqarah: 29) (Al-An'am: 101) of which human knowledge is a mere reflection, and the verses of human dignity: verses that speak of God blowing His spirit into man (Al-Hijr: 29 and Sad: 72) and appointing man as His vicegerent on earth and creating the creatures of the earth for man (Al-Baqarah: 30, Sad: 26, Fatir: 39, Al-An'am: 165, Yunus: 14, Yunus: 73, Al-A'raf: 69, Al-A'raf: 84, Al-Naml: 62), and philosophical arguments that view the universe as a reflection of God's will to be and a cause that is the very essence of dependence on its absolute cause, and considering the verses that identify man as the greatest creation and the most perfect of them (Al-Sajdah: 7) and (At-Tin: 4) to the extent that he is introduced as God's vicegerent on earth (Al-Baqarah: 30), human achievements are the result of human action and man is their efficient cause and the effect of the Most High as the absolute cause, an effect that derives all its power from the sole creator of the universe. Therefore, artificial intelligence, which is a product of man and human achievement, cannot be superior to human intelligence, which is a creation of the Lord of the Worlds. The research method is qualitative and comparative, and the results indicate the invalidity of the superiority of artificial intelligence over human intellect.

Keywords: Artificial intelligence, intellect, divine knowledge, creation

*Corresponding Author: Seyed Hesamaldin Hosseini

Address: Islamic Lifestyle Quranic Research Center, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran

E-mail: shesamhosseini@yahoo.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



مقایسه تحلیلی عقل انسانی مخلوق الهی و هوش مصنوعی مصنوع انسان

سید حسام الدین حسینی

مرکز تحقیقات پژوهش های قرآنی سبک زندگی اسلامی واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

shesamhosseini@yahoo.com

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله:	با توجه به توسعه فراگیر استفاده از هوش مصنوعی و افزایش قابلیت های روزافزون آن تا آنجا که برخی از دانشمندان را معتقد به سلطه هوش مصنوعی بر هوش و عقل انسانی کرده است و با توجه به آیات (اعلی: ۱) -
مقاله پژوهشی	(۲) و (انعام: ۱۰۲) و آیات فراوان دیگری که خداوند را یگانه خالق عالم هستی بر می شمرد و علم نامحدود الهی (بقره: ۲۹) (انعام: ۱۰۱) که علم انسان پرتوی از علم او است و آیات کرامت انسان: آیاتی که از دمیدن روح خداوند در انسان (حجر: ۲۹ و ص: ۷۲) و قرار داده شدن انسان به جانشینی خداوند در روی زمین و آفریدن موجودات زمین برای انسان (بقره: ۳۰: ص: ۲۶، فاطر: ۳۹، انعام: ۱۶۵، یونس: ۱۴، یونس: ۷۳، اعراف: ۶۹. اعراف: ۸۴. نمل: ۶۲)
دریافت:	و براهین فلسفی که عالم هستی را پرتوی از اراده هستی بخش خداوند و معلولی که عین ربط و سراسر نیاز به علت تامه خویش است می داند و با توجه به آیاتی که انسان را برترین مخلوق و کامل ترین آنها بر می شمرد (سجده: ۷) و (تین: ۴) تا آنجا که او را خلیفه خداوند در زمین معرفی می کند (بقره: ۳۰)، دستاوردهای بشری معلول فعل انسانی و انسان علت معده آن دستاوردها و معلول حق متعال به عنوان علت تامه است معلولی که تمام توانمندی خود را از یگانه خالق عالم هستی دارد بنابر این هوش مصنوعی که معلول انسان و دستاوردی بشری است نمی تواند بر هوش انسانی که مخلوق رب العالمین است برتری داشته باشد. روش پژوهش کیفی و مقایسه ای است و نتایج حاصله حکایت از بطلان برتری هوش مصنوعی بر عقل انسانی دارد.
پدیرش:	
۱۴۰۲/۰۷/۲۸	
۱۴۰۱/۱۰/۱۰	

کلمات کلیدی: هوش مصنوعی، عقل، علم الهی، مخلوق

۱- مقدمه

توسعه و گسترش فضای مجازی و احاطه آن بر زندگی بشری و استفاده روز افزون از نرم افزارها و سخت افزارهای کامپیوتری و رباتیک و هوش مصنوعی به گونه ای است که تدریجا تمام عرصه های زندگی بشر را در بر می گیرد. حاکمیت این فضا علاوه بر برکات و فرصت های فراوان، تهدیدهایی نیز در بر دارد که از آن جمله اسارت انسان در ماشینیسیم و حاکم شدن فرهنگ فضای مجازی بر فضای حقیقی زندگی انسان است تا آنجا که برخی می پندارند در آینده ای نه چندان دور هوش مصنوعی می تواند بر انسان و هوش انسانی سلطه یابد، بر این اساس تبیین دیدگاه محدودیت و مخلوقیت انسان و دستاوردهای انسانی که در واقع مخلوقِ مخلوق هستند و هوش مصنوعی نیز از جمله آنها است می تواند گرایش و رویکرد انسان به فرهنگ ها و سنت های اصیل و عمیق الهی و دینی را در عصر حاکمیت سکولاریسم تحقق بخشد. بر اساس مبانی عقلی و نقلی، مکتب متعالی اسلام به عنوان آخرین و کامل ترین ادیان و قرآن به عنوان تنها متن کاملا وحیانی سه سوال به شرح زیر مطرح می شود: سوال اصلی: در مقایسه عقل انسانی به عنوان مخلوق خداوند و هوش مصنوعی به عنوان مخلوق بشری کدامیک بر دیگری برتری خواهد یافت؟ سوال فرعی اول: اشتراکات و تفاوت های عملکردی عقل بشری و هوش مصنوعی در چیست؟ سوال فرعی دوم: عقل بشری چگونه می تواند از هوش مصنوعی و سلطه او در امان باشد؟ و در پاسخ به سوالات فوق فرضیات زیر مطرح می شوند:

فرضیه اصلی: به نظر می رسد در مقایسه عقل انسانی به عنوان مخلوق خداوند و هوش مصنوعی به عنوان مخلوق بشری آفرینش الهی قطعا می تواند بر آفرینش بشری برتری داشته باشد. فرضیه فرعی اول: عقل بشری و هوش مصنوعی هر دو در بازافزایی اطلاعات و محاسبه و استنتاج اشتراک دارند اما در نحوه استفاده و تسلط بر نظام آفرینش، انسان و عقل انسانی تمایز دارد. فرضیه فرعی دوم: عقل بشری با تکیه بر روح و معنویت و در استفاده از بعد معنوی و افاضات الهی و ابتکارات عقلانی و علمی، بر هوش مصنوعی تمایز و برتری دارد

۲- شرح اصطلاحات و مفاهیم:

هوش مصنوعی: هوش مصنوعی یا artificial intelligence که به طور مخفف AI گفته می شود، شاخه ای از علوم رایانه است که هدف اصلی آن تولید ماشین های هوشمندی است که توانایی انجام وظایفی که نیازمند به هوش انسانی است را داشته باشد. هوش مصنوعی در حقیقت نوعی شبیه سازی هوش انسانی برای کامپیوتر است و منظور از هوش مصنوعی در واقع ماشینی است که به گونه ای برنامه نویسی شده که همانند انسان فکر کند و توانایی تقلید از رفتار انسان را داشته باشد. این تعریف می تواند به تمامی ماشین هایی اطلاق شود که بگونه ای همانند ذهن انسان عمل می کنند و می توانند کارهایی مانند حل مسئله و یادگیری داشته باشند. و به زبان ساده، هوش مصنوعی به توانایی تفکر یا یادگیری کامپیوتر یا ماشین گفته می شود. برای اینکه فردی هوشمند و دارای هوش تلقی شود، باید یادگیری اتفاق بیفتد و فرد آموزش ببیند. (عامراندیش، بی تا)

عقل انسانی: یکی از منابع شناخت و معرفت در وجود انسان، عقل است. عقل دریچه ای است که انسان از طریق آن با فضای گسترده تر و عمیق تری از فضای حسی آشنا می شود. عقل عبارت است از مرکز فکر و اندیشه، و از ویژگی های آن، ترکیب، تجزیه، تجرید، انتزاع، تعمیم و تعمیق مفاهیم ذهنی است. عقل در اصل به معنای بسته و نگه داشتن است، هنگامی که عرب می گوید «عَقَلَ البعیر» (المعجم الوسیط ۱۳۶۳: ۶۱۶) به این معناست که زانوی شتر را بست علامه طباطبایی (ره) ذیل آیه «كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» (بقره/۲۴۲) می فرماید: اصل در معنای عقل بستن و نگهداشتن است و این با ادراکی که انسان دل بر آن می بندد، مناسب است و چیزی که با آن درک می کند نیز عقل نامیده می شود. هم چنین به قوه ای که یکی از قوای انسانی است و به واسطه آن خیر و شر و حق و باطل از یکدیگر تشخیص می دهد، عقل می نامند و مقابل آن جنون و سفه و حمق و جهل است که هرکدام به اعتباری استعمال می شود. استعمال لفظ عقل بر ادراک از این نظر است که در ادراک دل بستن به تصدیق وجود دارد و خدا جبلی انسان قرار

داده که حق و باطل را در علوم نظری، و خیر و شر و منفعت و مضرت را در علوم عملی تشخیص دهد. البته ما منکر نقش مغز در ادراک نیستیم، بلکه آن را ابزار نفس در ادراکات حسی، وهمی و عقلی می‌دانیم، همان‌گونه که چشم بیننده نیست، بلکه ابزار دیدن است و گوش شنونده نیست، بلکه ابزار شنیدن است، مغز نیز مدرک نیست، بلکه ابزار درک است و بهترین راهنمای ما در قبول این مطلب پدیده مرگ است که اعضا علی‌رغم سلامتشان هیچ فعالیتی از خود انجام نمی‌دهند و به طور کلی، مرز جدایی موجود زنده از جماد نفس است، چه در گیاه و چه حیوان و انسان، لکن نفس مراتبی دارد که ادنی مرتبه آن نفس گیاهی است که کار تغذیه و تنمیه و تولید را انجام می‌دهد. در مرتبه بعد نفس حیوانی است که علاوه بر اینها حس و حرکت اداری و ادراک وهمی هم دارد. در مرتبه سوم نفس ناطقه انسان است که علاوه بر همه اینها ادراکات عقلی، قلبی و حیوانی هم دارد؛ یعنی انسان با داشتن نفس ناطقه، هم مدرک کلیات است و افعالش را با اختیار، اندیشه و تفکر انجام می‌دهد و هم مکتسب عرفان که به این اعتبار آن را دل گویند و هم گیرنده وحی؛ یعنی با داشتن عقل سلیم و قلب لطیف و طی مراتب کمالات انسانی، به درجه‌ای از شایستگی می‌رسد که قلب او کانون تابش انوار ملکوتی و سینه او مخزن اسرار وحی الهی می‌شود. (طباطبایی، ۱۳۷۳ج ۲ص ۳۷۱)

۳- عقل موهبتی الهی: عقل و عقلا نیت، فیضی ربانی است که در حیات انسانی در نهایت کمال تجلی یافته است و انسان را از همه موجودات عالم آفرینش برتری بخشیده است چنانکه امام صادق علیه السلام عقل انسان را نور الهی و برترین مخلوق خداوند می‌دانند: الإمام الصادق علیه السلام: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ خَلَقَ الْعَقْلَ وَهُوَ أَوْلَى خَلْقٍ مِنَ الرُّوحَانِيِّينَ عَنِ يَمِينِ الْعَرْشِ مِنْ نُورِهِ، فَقَالَ لَهُ: أَدْبِرْ فَأَدْبِرَ، ثُمَّ قَالَ لَهُ: أَقْبِلْ فَأَقْبِلْ، فَقَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: خَلَقْتُكَ خَلْقًا عَظِيمًا وَكَرَّمْتُكَ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِي. (خداوند، خرد را که نخستین آفریده روحانی او در سمت راست عرش خود است، از نور خود آفرید. آن گاه بدو گفت: «پشت کن». او نیز پشت کرد. پس فرمود: «روی آور»). خرد نیز روی آورد. پس از آن، خداوند تبارک و تعالی فرمود: تو را آفریده‌ای بزرگ آفریدم و بر تمام آفریده‌هایم ارجمند داشتم. (کلینی: ۱/۲۱/۱۴) و در قرآن کریم در آیات متعدد انسان را بر سایر

مخلوقات برتری بخشیده است: «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا» (اسراء: ۷۰) «ما آدمیزاد را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا (بر مرکب های راهوار) حمل کردیم و از انواع روزی ها پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کردیم برتری بخشیدیم» و به همین سبب عالم هستی را به تسخیر انسان درآورده است: «أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ» (لقمان: ۲۰) «آیا ندیدید که خداوند آنچه در آسمان و زمین است را به تسخیر شما درآورده است» و انسان را جانشین خود در زمین قرار داده است: «وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً...» (بقره: ۳۰) «و به یاد آور آن هنگام را که خدا به فرشتگان گفت می خواهم در زمین جانشینی برای خود قرار دهم...» زیرا انسان تنها موجودی است که ظرفیت و توانایی خلافت و جانشینی الهی در زمین و ولایت بر عالم هستی را دارد: «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا» (احزاب: ۷۲) «ما امانت (تعهد، تکلیف، و ولایت الهیه) را بر آسمانها و زمین و کوهها عرضه داشتیم، آنها از حمل آن سر برتافتند، و از آن هراسیدند اما انسان آن را بر دوش کشید او بسیار ظالم و جاهل بود، (چون قدر این مقام عظیم را نشناخت و به خود ستم کرد» در این آیه شریفه مراد از امانت عبارت است از ولایت الهی، و مراد از عرضه داشتن این ولایت بر آسمانها و زمین، و سایر موجودات مقایسه این ولایت با وضع آنهاست. و معنای آیه این است که: اگر ولایت الهی را با وضع آسمانها و زمین مقایسه کنی، خواهی دید که اینها تاب حمل آن را ندارند و تنها انسان می تواند حامل آن باشد، و معنای امتناع آسمانها و زمین، و پذیرفتن و حمل آن به وسیله انسان این است که در انسان استعداد و صلاحیت تلبس آن هست، ولی در آسمانها و زمین نیست.

(طباطبایی، ۱۳۷۳، ج ۱۶، ص ۵۲۶).

۴-۱- خداوند ربّ العالمین است: ربوبیت و تدبیر و آفرینش عالم از خدایی سرچشمه می گیرد که خود را برترین معرفی می کند: سَبَّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى (اعلی: ۱-۲) (منزّه شمار نام پروردگار بلندمرتبهات را همان خداوندی که آفرید و موزون ساخت،) و او خدایی است که آفرینش هر موجودی را به بهترین شکل ممکن آن به انجام می رساند: الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنْسَانِ مِنْ طِينٍ (سجده: ۷) (او همان کسی است که هر چه را آفرید نیکو آفرید و آفرینش انسان را از گل آغاز کرد) و به تبع آن آفرینش انسان را بهترین شکل ممکن در آفرینش می داند: لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ (تین: ۴) (که ما انسان را در بهترین شکل و نظام آفریدیم،) نکته مهم این است که این سخنان در قرآنی بیان شده که تنها معجزه جاودان خداوند در عالم هستی است: إِنَّا نَحْنُ نُزِّلْنَا الذُّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ (حجر: ۹) « ما قرآن را نازل کردیم و ما بطور قطع نگهدار آنیم» و دلایل عقلی و قرآنی معجزه بودن قرآن شامل: خاتمیت اسلام و قرآن به عنوان آخرین و کامل ترین نسخه و حیانی کلام الله که در دست بشر است و تنها طریق هدایت انسان به کمال حقیقی در راستای هدف خلقت اوست و لطف پروردگار به بندگانش در ارائه استوارترین طریق راهنمایی بشر در جهت برخورداری از عدل الهی و اثبات حقانیت اسلام که از طرف پیامبر امّی برای هدایت همه انسان ها در گذر زمان در اختیار بشر قرار گرفته است پشتوانه ادعای ما است (حسینی، ۱۳۹۷ص ۱۸) بر این اساس امکان ندارد دستاوردی بشری چون هوش مصنوعی که ساخته انسان است بر خود انسان که ساخته خداوند متعال است برتری یابد و بر او مسلط شود زیرا لازمه آن خدا شدن انسان و توانمندی او در آفرینش موجودی برتر از آفریده خداوند متعال است. انسان می تواند چیزهای جدیدی اختراع کند از جمله در همه ی حوزه های تکنولوژی هوش مصنوعی، اما هوش مصنوعی می تواند فقط داده را بگیرد، آن را مقایسه کند و با ترکیب و نمایش آن همگام شود و بر اساس ترتیب های قبلی روند آن را پیش بینی کند. هوش مصنوعی برای فعالیت های تکراری که مرزها و حواشی آن ها مشخص است و می تواند به وسیله ی داده نمایش داده می شوند، خوب است و برای فعالیت هایی که تصمیم گیری عقلانی دارند، ضعیف عمل می کند زیرا منشا عقل ملکوت است و از عالمی فراتر از ماده

است به همین سبب در مقابل هوش انسانی برای فعالیت هایی که نیاز به تصمیم گیری با عقل دارد مناسب است گرچه توانمندی آن در پردازش داده ها از سرعت کم تر و خطا پذیرتری برخوردار باشد. انسان می تواند به راحتی براساس غریزه یا عقل تصمیم گیری کند اما چنین آموزشی برای الگوریتم هوش مصنوعی شاید صدها سال به طول بینجامد. تفکر انتزاعی، به کار گیری عقل و انتقال دانش از جایی به جای دیگر مواردی هستند که هوش مصنوعی ضعف عملکردی دارد. هوش مصنوعی می تواند هر مسأله ای را در صورت تبدیل به مجموعه داده حل کند. هم چنین در تشخیص تصویر، در صورتی که یک شبکه ی عصبی عمیق داشته باشید، ساختار اصلی الگوریتم های یادگیری عمیق، برچسب های کافی به تصاویر می چسباند که می تواند داده های موجود در آن را با پیچیده ترین راه ها مقایسه کند و روابط و الگوها را که هر نوع از اشیا را توصیف می کند، بیابند. پس از آن از این اطلاعات برای برچسب گذاری اشیا در تصاویری که قبلاً مشاهده نشده اند استفاده می کند. همین فرایند در تشخیص صدا هم اتفاق می افتد. با دریافت نمونه های کافی از صدای فرد، یک شبکه ی عصبی می تواند الگوهای معمول در صدای فرد را پیدا کند و در صورتی که صداهای ضبط شده متعلق به او را تشخیص دهند اما این ویژگی ها هر چه هم پیشرفته باشد در سیطره عقل انسان که موهبتی الهی است می باشد، عقلی که می تواند موجب کمال معنوی بشر در حدی باشد که ملک و ملکوت را به تسخیر درآورد و در اماته و احیاء مخلوقات به اذن الهی نقش ایفاء کند چنانکه در اولیاء و انبیاء الهی به منصفه ظهور رسیده است و در قرآن کریم در موارد متعدد به این افراد اشاره شده است در خطاب به حضرت عیسی (مائده: ۱۱۰) در خطاب به حضرت ابراهیم (بقره: ۲۶۰) در خطاب به حضرت سلیمان (نمل: ۱۵) و آل ابراهیم (نساء: ۵۴) و سایر انسان ها (یونس: ۶۲) که همه بیانگر خلافت و جانشینی انسان و سیطره او بر کل جهان هستی است.

۴-۲- یگانگی خدا در خالقیت : با توجه به آیاتی که خداوند را بهترین و برترین خالق معرفی می کند: اَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَالِقِينَ (الصافات: ۱۲۵) و فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ (المؤمنون: ۱۴) و به همین دلیل هرگونه شریک را در آفرینش برای خداوند نفی می کند

از سوی دیگر بر اساس آیه: قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِكَلِمَاتِ رَبِّي لَفَتِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَنْ تَنْفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَ لَوْ جُنَّا بِمِثْلِهِ مَدَدًا (کهف: ۱۰۹) (بگو اگر دریاها برای (نوشتن) کلمات پروردگارم مرکب شوند، دریاها پایان می گیرند پیش از آنکه کلمات پروردگارم پایان یابد، هر چند همانند آن (دریاها) را به آن اضافه کنیم) بی نهایت بودن علم الهی که علم بشری پرتوی از آن است مبنایی بر احاطه بشر و علم بشری بر جهان هستی بر اساس اراده الهی است به گونه ای که خداوند در این آیه برای مجسم ساختن عدد بی نهایت، و نزدیک ساختن معنی علم بی پایان خدا و گستردگی فوق العاده جهان هستی به افکار ما، در اینجا به بیان بسیار فصیح و بلیغی دست زده است و از اعداد زنده و جاندار استفاده کرده. عدد زنده آن است که فکر ما را به همراه خود تا آنجا که پیش می رود ببرد و واقعیت را آنچنان که هست در نظرها تجسم بخشد، روح داشته باشد، عظمت داشته باشد و زبان داشته باشد. قرآن به جای اینکه بگوید مخلوقات خداوند در پهنه هستی از عددی که یکصد کیلومتر صفر در کنار آن باشد فوق العاده بیشتر است، می گوید: اگر تمام درختان روی زمین قلم شوند، و همه دریاها مرکب، تمام این قلمها می شکند و از بین می رود، و همه این مرکب ها تا آخرین قطره پایان می یابند، اما حقایق عالم هستی و اسرار و رموز آن، و موجودات این جهان و معلومات پروردگار پایان نمی پذیرد. (مکارم شیرازی، ج ۱۲، ص ۵۷۴ و ۵۷۵) در این مثال دریا، نمایانگر علم بشری است که انسان آن را زیاد و گسترده می پندارد حال آن که - با وجود وسعت آن - بسیار محدود است. و کلمات الهی نمایانگر علم الهی است که حد و اندازه ای ندارد و بشر نهایت آن را درک نمی کند، بلکه اساساً تلقی درستی از آن ندارد و نمی تواند آن را به نگارش درآورد تا چه رسد به آن که بخواهد حقیقت آن را دریابد. (سیدقطب، ج ۴، ص ۲۲۹۶ و ۲۲۹۷). و إِنَّ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَعْلُومٍ (حجر: ۲۱) ظاهر جمله "و إِنَّ مِنْ شَيْءٍ" با در نظر داشتن عمومیتش که از سیاق نفی آن استفاده می شود، و نیز با در نظر گرفتن تاکیدش به کلمه "من" شامل تمامی موجودات که اطلاق "شئ" بر آن صحیح باشد می شود، بدون اینکه حتی یک فرد از آن استثناء باشد و نکته دیگر استفاده از کلمه "شئ" است، و کلمه مذکور از عمومی ترین الفاظ است که هیچ فردی از موجودات از دایره شمول آن بیرون

نمی‌ماند. و مقصود از «نزول» همان خلقت اشیاء است. در جمله "وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ" نزول را که بنا شد به معنای خلقت باشد توأم با قدر کرده، اما توأمی لازم که به هیچ وجه انفکاکش ممکن نیست، برای اینکه آن را با تعبیر حصر (جز به قدر معلوم نازل نکردیم) افاده فرموده. "و بایی" که بر سر قدر است یا باء سببیت است و یا باء آلت و یا مصاحبت، ولی هر چه باشد نتیجه یکی است، و می‌رساند که کینونت و ظهور اشیاء به وجود، توأم با همان حدود و اندازه‌های معلومی است که دارد، پس وجود اشیاء وجودی است محدود، و چطور محدود نباشد با آنکه خدای تعالی فرموده: "إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ" (سجده: ۵۴) و اگر وجود اشیاء محدود نباشد محاط خدا واقع نمی‌گردد، زیرا چیزی که حد و نهایت ندارد محال است محاط واقع شود. إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ (قمر: ۴۹) (طباطبایی، ۱۳۷۳ ج ۱۲ ص ۲۱۰)

۴-۳- جهان مخلوق معلول خدا و عین ربط به او در وجود و بقاء:

بر طبق مبانی فلسفه اسلامی وجود بر دو قسم است: موجودی که وجودش «فی نفسه» است و آن را اصطلاحاً وجود مستقل یا محمولی یا «وجود نفسی» می‌گویند. دیگر موجودی است که وجودش «فی غیره» است و آن را وجود رابط می‌نامند. مثلاً در قضیه «حسن ایستاده است» علاوه بر وجود حسن و وجود ایستادن، چیزی دیگر نیز وجود دارد و آن عبارت از چیزی می‌باشد که لفظ «است» بر آن دلالت می‌کند، که ربط ایستادن به حسن است. این ربط به گونه‌ای است که متکی به دو طرف یعنی موضوع (حسن) و محمول (ایستاده) است. اگر آن دو طرف نباشد، وجود رابط به تنهایی تحقق پیدا نمی‌کند، بنابر این معلوم می‌شود «وجود رابطی» به وجودی اطلاق می‌شود که بدون «وجود مستقل» وجود ندارد. (شیروانی، ۱۳۷۷ ج ۱ ص ۱۱۰). شهید مطهری در این باره گفته است: این که گفته شده همه وجودات وجود رابطاند و وجود مستقل فقط ذات باری تعالی است، مربوط به حقیقت وجود عینی و خارجی است و مراد از آن این است که هر معلول نسبت به علت هستی بخش خود (باری تعالی) وجود شیء است، و ایجاد شیء عین اضافه و نسبت و ارتباط است، زیرا هر معلول وجودش عین تعلق و وابستگی به علتش است، نه این که ذاتی دارد و تعلقی که تعلقش به علت غیر از ذاتش باشد، بلکه ذاتش عین تعلقش به علت است.

مطهری، ۱۳۲۵ج ۱۰ص ۷۴) بنابر این نه تنها وجود آدمیان بلکه وجود عالم و آدم و از جمله تمام افعال انسان وجودشان نسبت به حضرت حق تعالی، عین ربط، فقر، نیاز و وابستگی است. اگر لحظه‌ای عنایت حق از آن سلب شود، از هستی ساقط می‌شوند آنچنان که در قرآن از زبان حضرت ابراهیم فرموده است: «تَعْبُدُونَ مَا تَنْحِتُونَ وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ (صافات: ۹۵-۹۶)». (ابراهیم) گفت: آیا چیزی را که خود می‌تراشید می‌پرستید؟ در حالی که خداوند، شما و چیزهایی را که می‌سازید آفریده است.» برای تقریب به ذهن: وقتی منظره زیبایی را در ذهن و قوه خیال خود می‌سازید و تصور می‌کنید، آن منظره چنان به توجه نفس شما وابسته است که اگر لحظه‌ای توجه نفس از آن گرفته شود، آن منظره زیبا محو و نابود می‌شود و دیگر وجود و تحقق در ذهن شما ندارد. عالم و آدم نیز وجودشان نسبت به خداوند شبیه این مثال است، گرچه وابستگی جهان به حق تعالی فراتر از این مثال‌ها است. «أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت: ۵۳) آیا کافی نیست که پروردگارت بر همه چیز شاهد و گواه است؟!.

۵- نظریه کارکردگرایی (Functionalism): کارکردگرایی به معنی همسان دانستن عملکرد هوش مصنوعی و هوش انسانی است و بر این پایه استوار است که ذهن انسان و عملکرد آن را امری مادی و فیزیکی می‌انگارد اولین کسی که نظریه کارکرد گرایی را مطرح کرده است هیلاری پاتنم (Hilary Putnam) است. نظریه کامپیوتری بودن ذهن در کتب متعددی مطرح شده است: آشنایی مقدماتی با فلسفه ذهن (خاتمی ۱۳۸۱) و فلسفه ذهن یک راهنمای مقدماتی (ریونزکرافت ۱۳۸۷) و در آمدی به فلسفه ذهن (مسلین ۱۳۹۱) براساس کارکردگرایی ذهن نه دقیقا امری ذهنی است و نه دقیقا امری فیزیکی بلکه باید آن را به طور انتزاعی تر کارکرد یا برنامه ای دانست که در سخت افزار مغز اجرا می‌شود و ورودی های حسی را به خروجی های رفتاری تبدیل می‌کند (مسلین ۱۳۹۱ص ۳۳). اساسا کارکردگرایان معتقدند که نسبت میان نفس و بدن همانند نسبت میان سخت افزار و نرم افزار یک کامپیوتر است (قاضوی ۱۴۰۰) نظریه کارکردی ذهن با چند برهان فلسفی ابن سینا بر تجرد نفس مردود می‌شود: ۱-جسم در گذر زمان دچار تغییر و تحول و رشد و نقصان می‌شود اگر فرایند تعقل در انسان مادی باشد باید این دگرگونی

ها در تعقل تاثیرگذار باشد در حالیکه اینچنین نیست (ابن سینا ۱۳۷۵ ج ۳ ص ۲۷۳). ۲- محال بودن انطباق کبیر در صغیر دلیل دیگری بر تجرد نفس است (مصباح یزدی، ۱۳۹۰ ج ۲ ص ۲۶۲). ۳- ابن سینا با نظریه انسان معلق در فضا که فرض را بر این می گیرد که اگر انسانی در فضا معلق باشد و هیچ چیزی را حس نکند وجود و هستی خود را بدون واسطه ادراک می کند و این امر دلالت بر وجود نفسی غیر از بدن مادی دارد. (ابن سینا ۱۳۷۵ ص ۸۰). رویکرد پوزیتیویستی که زمینه دیدگاههای فلسفه ذهن غربی است در باب حقیقت انسان است دچار اشکالات متعددی از قبیل: خودشکن بودن اصل تحقق پذیری تجربی، بی معنایی بسیاری از سخنان و گفتمان های انسان مانند هنر، زیبایی شناسی، احساسات، شعر، احکام اخلاقی و نیز بی معنایی علم و گزاره های علمی و گزاره های کلی و متافیزیکی است (شیروانی، ۱۳۹۱ ص ۱۰۴). بر اساس حکمت سینوی ملاک هویت شخصی امری مجرد است که ثبات شخصیت انسان را در دو زمان مختلف بر عهده دارد (قاضوی ۱۳۹۸ ص ۴۱). بنا بر این چگونه می توان نظریه برتری هوش مصنوعی را بر هوش و عقل انسانی پذیرفت؟ انسانی که عقلانیت او با توجه به مبانی فلسفی که بیان شد منشای روحانی و الهی دارد و در موضعی فراتر از مادیت و محدودیت های مادی قرار دارد امکان ندارد که زمانی تحت سلطه و سیطره دستاوردی چون هوش مصنوعی مادی قرار گیرد.

۶- تفاوت و تشابه هوش مصنوعی و هوش انسانی

تکنولوژی های مدرن هوش مصنوعی در حال حاضر می توانند متن، تصویر، ویدیو، موسیقی، کد نرم افزاری و دیگر رسانه ها را شبیه به انسان تولید کنند. این مهارت های ادراکی در موارد زیر با هوش انسانی تفاوت و در مواردی تعارض دارد:

۶-۱- یادگیری: هوش مصنوعی داده ها را گرفته و قوانینی برای تبدیل آن به اطلاعات قابل استفاده تولید می کند. این قوانین الگوریتم نام دارند و روند انجام کار را قدم به قدم مشخص می کنند و در مقایسه با هوش انسانی سرعت یکی نقاط قوت هوش مصنوعی و به طور کلی کامپیوترها است. هوش مصنوعی می تواند اطلاعات زیادی را در کسری از ثانیه پردازش کند و حتی محاسبات

دشوار را به سرعت انجام دهد. این در حالی است که انجام همین کار برای انسان شاید ساعت‌ها یا حتی روزها زمان ببرد. انسان از لحاظ دقت پردازش اطلاعات هم توان همپایی با هوش مصنوعی (AI) را ندارد. با دقت بالایی داده‌ها و آمار را پردازش کرده و در عین کاهش خطاها، بهره‌وری را نیز افزایش می‌دهد.

۶-۲- استدلال: هوش مصنوعی با همین مهارت خود الگوریتم مناسب را برای رسیدن به هدف مطلوبش انتخاب می‌کند. سرعت و قدرت تصمیم‌گیری به وضوح یکی از برتری‌های هوش مصنوعی (AI) است. به ویژه در موقعیت‌های داده محور تصمیمات سریع و دقیقی را ارائه می‌کند. از آنجایی که هوش مصنوعی به داده‌های زیادی دسترسی دارد، الگوریتم‌های آن به خوبی داده‌ها را پردازش و تجزیه و تحلیل کرده و تصمیمات بهتری می‌گیرند.

با این حال هوش انسانی انعطاف‌پذیری بیشتری دارد. انسان‌ها در تصمیمات خود فاکتورهای مختلفی مثل اخلاقیات را در نظر می‌گیرند و مباحثی مثل اخلاق را به سختی می‌توان به داده‌های قابل درک برای هوش مصنوعی تبدیل کرد. تصمیم‌گیری در ذهن انسان با توجه به مولفه‌های ذهنی گرفته می‌شود و تنها بر اساس داده‌ها و اعداد و ارقام نیستند اما هوش مصنوعی (AI) کاملاً عینی با مسائل مختلف رفتار می‌کند. (AI) از داده‌هایی که در اختیار دارد استفاده می‌کند تا تجزیه و تحلیل‌های لازم را انجام دهد.

۶-۳- خود اصلاحی: این مهارت برای اصلاح و تقویت مداوم الگوریتم‌ها طراحی شده تا دقت نتایج رفته رفته بیشتر شود. هوش احساسی را می‌توان توانایی درک و مدیریت احساسات خود و دیگران تعریف کرد و همین مهارت انسانی در زمینه‌هایی مثل مشاوره، مربی‌گیری و رهبری به کار می‌آید. نحوه ارتباط، دلسوزی و همزاد پنداری اهمیت بالایی در این حرفه‌ها دارند. حیرت‌انگیز است اگر تکه آهنی بر هوش احساسی انسان‌ها غلبه کند. هوش مصنوعی امروزی با وجود پیشرفت‌هایی که در تقلید از احساسات انسانی پیدا کرده و با اینکه عاشقانه‌های انسان و هوش مصنوعی همین حالا به واقعیت تبدیل شده‌اند، اما AI هنوز توان همپایی با انسان را ندارد. حتی اگر هوش مصنوعی به بهترین نحو هوش احساسی را تقلید کنم هم آیا می‌توان نامش را احساس گذاشت؟

۶-۴-**خلاقیت:** با اینکه استفاده از واژه خلاقیت برای ماشین درست به نظر نمی‌آید اما هوش مصنوعی با استفاده از شبکه‌های عصبی، سیستم‌های قانون‌محور، روش‌های آماری و دیگر ترفندها می‌تواند تصاویر، متن یا موسیقی جدیدی را برپایه اطلاعات گذشته تولید کند. خلاقیت برگ برنده انسان‌ها در مقابل رایانه است. الگوریتم‌های هوش مصنوعی براساس یک سری قوانین و پارامترها طراحی شده‌اند و توان نوآوری چندانی ندارند. هوش مصنوعی برخلاف انسان نمی‌تواند خارج از جعبه فکر کند. هوش انسانی اما مظهر خلاقیت است و از آنجایی که هیچ قید و بند محدود کننده‌ای جلو دارش نیست همواره به نوآوری می‌پردازد و همین مهارت انسانی پایه و اساس تجربه‌های دلپذیری مثل هنر، موسیقی و نوشتجات است.

۶-۵-**اخلاق:** هوش انسانی (HI) یکی از مولفه‌های تصمیم‌گیری خود را اخلاق قرار می‌دهد و معمولاً اخلاق و وجدان است که تصمیم‌ها را هدایت می‌کند. اما در هوش مصنوعی (AI) هیچ منشور اخلاقی یا وجدانی وجود ندارد.

۶-۶-**احساسات و همدلی:** یکی از ویژگی‌های بارز هوش مصنوعی و تفاوت با هوش انسانی، نداشتن احساسات و همدلی است. معمولاً احساسات در تصمیم‌گیری‌های انسانی بسیار تاثیرگذار و موثر است و این در حالی است که هوش مصنوعی اصلاً چیزی به عنوان احساسات را درک نمی‌کند.

۶-۷-**زندگی اجتماعی:** انسان به صورت کلی یک موجود اجتماعی است و در تعاملات اجتماعی می‌تواند داده‌های مدنظر خود برای سازگاری را به دست بیاورد و به خودآگاهی برسد. این در حالی است که هوش مصنوعی (AI) توانایی انتخاب و ایجاد یک ساختار اجتماعی را ندارد.

۶-۸-**وظیفه‌گرائی:** هوش مصنوعی (AI) معمولاً وظیفه‌ی بهینه‌سازی سیستم‌ها را برعهده دارد و سعی می‌کند و نمی‌تواند مانند مغز انسان فکر کرده و خلاقیت برای کارهای جدید ایجاد کند

هوش انسانی (HI) به طور کلی برای خلاقیت و نوآوری ایجاد شده است زیرا این موضوع به سازگاری بسیار کمک می کند.

۶-۹- کیفیت عملکرد: عملکرد هوش مصنوعی در دیدگاه طرفداران برتری آن در آینده بر هوش انسانی با دیدگاه عدم برتری هوش مصنوعی بر هوش انسانی چه در حال و چه در آینده از این جهت که هوش مصنوعی در پردازش و بازیابی و اصلاح و تکامل بخشی به اطلاعات و داده ها با هوش انسانی اشتراک دارد اتفاق نظر دارند اما در این جهت که اولاً تصمیمات هوش مصنوعی بر مبنای عواطف و احساسات درونی و ابعاد معنوی نیست و ثانیاً امر اخلاقی در هوش مصنوعی معنی و مفهومی ندارد با یکدیگر اختلاف نظر دارند. مغز انسان از حافظه، قدرت پردازش و توانایی شناختی خود برای فهم مسائل استفاده می کند ولی AI به داده ها و دستورالعمل ها متکی است. ثالثاً: مغز انسان با استفاده از تجربیات مختلف و استفاده از استدلال انتزاعی یادگیری خود را انجام می دهد. این در حالی است که دانش در ماشین ها با استفاده از اطلاعات و آموزش های مکرر به دست می آید. هم چنین سرعت یادگیری در ماشین ها بسیار بالاتر از انسان است.

۷- نتیجه گیری:

در این پژوهش سعی بر آن است که با تکیه بر قرآن و عقل و نقل این دیدگاه که معتقد است هوش مصنوعی با توجه به قابلیت بازآزایی خویش روزی بتواند بر انسان و عقل انسانی سلطه یابد و او را به خدمت گیرد مهر بطلان زند. توسعه جهان بینی توحیدی و ربوبیت حق تعالی بر عالم هستی و اثبات کلام حق متعال در قرآن که فرموده است: **وَ كَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ** (توبه: ۴۰) و نفی شریک برای خداوند در تدبیر و ربوبیت عالم و توجه به سبک زندگی اسلامی و کنترل و مدیریت فضای مجازی به عنوان ابزاری برای معیشت بهتر انسان. عقل و عقلانیت، فیضی ربانی است که در حیات انسانی در نهایت کمال تجلی یافته است و او را از همه موجودات عالم آفرینش برتری بخشیده است. خداوند یگانه خالق عالم هستی است و انسان کامل ترین مخلوق اوست. علم انسانی پرتوی از علم حق متعال است. هوش مصنوعی دستاوردی بشری است و سلطه آن بر انسان امری محال است زیرا معلول ذاتا از علت خویش در رتبه وجودی پایین

تری قرار دارد و انسان به عنوان علت اعدادی آن متکی به علت العلل یعنی حق متعال جل و علی است.

منابع:

- ابن سینا، حسین بن عبدالله، شرح الاشارات والتنبیها، قم، البلاغه ۱۳۷۵
- ، الشفا، قم، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی ۱۴۰۴.
- حسن الزیات، احمد، المعجم الوسیط، تهران انتشارات صادق، ۱۳۸۷
- حسینی، سیدحسام الدین، اعجاز استدلالی قرآن کریم، اهواز، انتشارات آیات، ۱۳۹۷
- خاتمی، محمود، آشنایی مقدماتی با فلسفه ذهن، تهران جهاد دانشگاهی، ۱۳۸۱.
- ریونز کرافت، ایان، فلسفه ذهن یک راهنمای مقدماتی، ترجمه حسین شیخ رضایی، تهران، صراط ۱۳۸۷.
- سرل، جان آر، ذهن، مغز علم، ترجمه امیر دیوانی، قم، بوستان کتاب، ۱۳۸۲.
- سید بن قطب بن ابراهیم شاذلی، فی ظلال القرآن، دارالشروق، بیروت ۱۴۱۲
- شریعتی، فهیمه؛ اکبرزاده توتونچی، محمدرضا، مقایسه ماهوی هوش انسانی با هوش مصنوعی از منظر فلسفه اسلامی با تاکید بر حکمت متعالیه ملاصدرا، راهگشایی در فهم جایگاه عقول برتر، مجله حکمت معاصر پاییز و زمستان ۱۴۰۱، سال سیزدهم - شماره 122.
- شیروانی، علی، مباحثی در کلام جدید، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه ۱۳۹۰
- ترجمه و شرح نهیة الحکمة، تهران، انتشارات الزهراء، ۱۳۷۷.
- طباطبایی، سیدمحمدحسین، ترجمه تفسیرالمیزان، قم، انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴
- عامر اندیش، <https://amerandish.com/EI4Xq>
- قاضوی، سید محمد نظریه کامپیوتری ذهن و برخی لوازم آن از منظر حکمت سینوی، مجله: معرفت»
- آذر ۱۴۰۰ - شماره ۲۸۸
- کلینی، محمدبن یعقوب، دارالتعارف للمطبوعات، بیروت ۱۴۱۱ق.

مسئولین، کیت، درآمدی به فلسفه ذهن، ترجمه مهدی ذاکری، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی ۱۳۹۱.

مطهری، مرتضی، مجموعه آثار، ج ۱۰، قم، نشر صدرا، ۱۳۲۵.

مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، دارالکتب الاسلامیه، تهران ۱۳۷۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی